



دنیای فرزانه مهدوی بعد از یک عمل سخت از تجارت سنگ‌های قیمتی در دبی به هنر «پتینه» و «گره بافت» تغییر کرد

## جراحی جسم و روح

منطقه

۱۰

سمیرا منشادی اگر مانند گذشته بود، فرزانه مهدوی دامغانی هنوز یک بانوی موفق در امر تجارت سنگ‌های قیمتی بود که در کشور امارات متحده عربی به کارش مشغول بود و ما هرگز برای مصاحبه رویه رویش قرار نمی‌گرفتیم. اما بیماری و به دنبال آن، عمل جراحی سنگینی که انجام داد، او را از سوار شدن به هواپیما منع کرد. بعد از آن او برای اینکه بتواند روزهای خانه نشینی‌اش را تحمل کند هنر «گره بافت» را شروع و به سرعت در این کار پیشرفت کرد. بعد از بیماری و پایان دوران نقاهت به دلیل هابی به همراه همسر و پسرش راهی مشهد شد، شهری که در آن بزرگ شده و درس خوانده بود و در سال ۱۳۹۳ کارگاه «آما» متولد شد. حالا «آما» جایی است که او بیشتر وقتش را در آن به آموزش پتینه و گره بافت و سایر هنرهای گذرانده. قرارمان برای گفت‌وگو را نیز همانجا در بولوار شهید فکوری گذاشتیم. در حیاط باصفای آما که میز و نیمکت چوبی داخل آن حال و هوای مدرسه را تداعی می‌کند، روی نیمکت چوبی نشستیم و زیر آفتاب کم‌رنگ بهاری در باره مسیری که تا اینجا پیموده است حرف زدیم.



### ● گرایش به هنر در کنار پدری هنردوست

فرزانه سال ۱۳۵۸ در خانواده‌ای به دنیا آمد که پدر خانواده به کارهای هنری علاقه بسیاری داشت. شغل اصلی پدرش فروش سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی است اما از قدیم علاقه بسیاری نیز به فیلم و سینما داشت. برای همین هم بخش زیادی از خاطرات دوران کودکی فرزانه و خواهرانش در سینماها شکل گرفته است. «هر زمان فیلم‌های کلاسیمی و بیضایی روی پرده سینماها بود، پدرم ما را برای تماشای این فیلم‌ها به سینما می‌برد. این فیلم‌ها تأثیر زیادی روی زندگی من می‌گذاشتند. با بعضی بازیگران نقش اصلی این فیلم‌ها هم سن و سال بودم و به همین دلیل همذات پنداری زیادی با شخصیت‌های می‌کردم.»

### ● از راهنمایی تا دبیرستان با تئاتر

با آنکه پدر فرزانه علاقه مندیبه هنر تئاتر و سینما بود و دخترانش را به هنر تشویق می‌کرد اما فرزانه هیچ وقت به طور حرفه‌ای و آکادمیک تئاتر را دنبال نکرد. تنها کار نمایشی‌ای که انجام داد، اجرای یک تئاتر در زمان مدرسه‌اش بود. اومی گوید: «اول راهنمایی بودم که دبیر پرورشی مان یک روز آمد سر کلاس و گفت: چه کسانی می‌خواهند برای تئاتر ثبت نام کنند؟ برای اینکه از کلاس‌های ریاضی خلاص شوم، دستم را بردم بالا. بغل دستی ام گفت: مگر تئاتر کار کردی؟ گفتم: نه. اما از کلاس ریاضی بهتر است!» البته معلم پرورشی هیچ‌گاه او را زمانی که کلاس ریاضی داشت برای تمرین تئاتر نبرد. او ادامه می‌دهد: «کتاب «کشکول خنده» اصغر میرخدیوی را که به زبان مشهدی نوشته است، خواندم و از آن سه نمایش خنده دار درست کردم. گروهی تشکیل دادم و با سایر دوستان این نمایش‌ها را تمرین کردیم.» نمایش به لهجه مشهدی مورد استقبال معلم‌ها و دانش‌آموزان قرار گرفت به طوری که تا سال آخر دبیرستان هر سال به هر مناسبتی این نمایش‌ها را با گروه جدیدی که تشکیل می‌داد، اجرا می‌کرد. اومی گوید: «با این نمایش چند سال مقام استانی آوردیم و به اردوهای مختلف دانش‌آموزی رفتیم.»

### ● رفت و آمد بین مشهد، شارجه و دبی

دبیرستانی که بود پدرش برای توسعه کار فروش جواهرات کلاسیک و عتیقه به عمان رفت. در «سه ماه تعطیلی‌ها» فرزانه هم پیش پدر می‌رفت تا اینکه کم‌کم در شناخت انواع سنگ‌مهارت پیدا کرد. او یک دوره فشرده زبان انگلیسی را در ایران گذراند تا بتواند با مشتریانش ارتباط بگیرد. می‌گوید: «در ۱۸ سالگی به حدی رسیده بودم که پدرم مغازه‌ها را به من می‌سپرد و خودش در نمایشگاه‌ها شرکت می‌کرد.» فرزانه بعد از اتمام درسش رفت پیش پدرش که حالا به امارات متحده عربی نقل مکان کرده بود و در این کشور ساکن شد. کنکور هم شرکت کرد، اما آنقدر در کارش پیشرفت کرده بود که کمتر به آن فکر می‌کرد. «به ایران آمدم و کنکور شرکت کردم. همان موقع در نمایشگاهی شرکت کرده بودیم. آنقدر عجله داشتیم برگردم که یاد نمی‌آید قبولی در دانشگاه، اپیگیری کردم یا نه.» او سال ۱۳۷۸ (۲۰۰۰ میلادی) ازدواج کرد و به همراه همسرش ساکن امارات شد. «خانه‌ام در شارجه بود و محل کارم در دبی. مدام بین این دو شهر در رفت و آمد بودم. اما کارم را بسیار دوست داشتم و در آن موفق بودم.»

اگر ماجرای بیماری ام پیش نمی‌آمد به سمت هنر نمی‌رفتم

#پتینه #گره بافت #سنگ‌های قیمتی

### سفارش‌هایی برای خارج از کشور

مهدوی این روزها بیشتر تمرکزش بر روی پتینه است و کمتر گره بافت‌های دستی انجام می‌دهد. در این باره می‌گوید: «گره بافت را به طور کامل کنار گذاشته‌ام. اما گاهی دوستانی که در خارج از کشور دارم سفارش کار می‌دهند.» او گره بافت‌ها را روی سنگ‌های قیمتی هم انجام می‌دهد. در باره این کارها پیش می‌گوید: «برخی آقایان که می‌خواهند سنگ قیمتی همراهشان داشته باشند و از طرفی نمی‌خواهند زنجیر طلا داشته باشند، سفارش گره بافت می‌دهند. از این مدل کار بسیار برای مشتریانتان انجام داده‌ام.»

